

دوفصلنامه مطالعات نقد ادبی اسال سیزدهم

پاییز و زمستان ۱۳۹۷ شماره چهل و هشتم

بررسی تطبیقی عنصر شخصیت در رمان‌های «دا» و «أم سعد»

زهرا مطیعی^۱

معصومه صادقی^۲

چکیده

رمان از جمله انواع ادبی بسیار موثر در بیان پایداری یک ملت در برابر ظلم و ستم داخلی و خارجی محسوب می‌شود. ادب فارسی و عربی معاصر به سبب وجود مشترکات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در این نوع ادبی نیز از شباهت‌های فرم و محتوای یکسانی سود می‌جویند. شخصیت از عناصر مهم در رمان و تجلی‌گاه احساسات و اعتقادات نویسنده است. مقاله پیش رو به بررسی انواع شخصیت در رمان‌های «دا» اثر «سیده زهرا حسینی» و «أم سعد» نوشته «غسان کنفانی» به شیوه توصیفی - تحلیلی در قالب ادبیات تطبیقی پرداخته است. برای تحقق این هدف شخصیت‌ها از منظر محوریت، تحول و نوع بررسی شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان از آن دارد که علاوه بر همسو بودن شخصیت‌ها به سبب وجود فضای مقاومت و پایداری و قلم مشابه دو نویسنده در پردازش فرم و محتوای شخصیت‌ها، کاربست ژانر اجتماعی در شخصیت‌پردازی و ترسیم تیپ‌هایی درگیر با آرمان‌های ملی - مذهبی نیز مورد توجه بوده است. حضور تراژدی بیشتر در رمان «دا» نسبت به رمان «أم سعد»، از جمله تفاوت‌های عمده این دو رمان نسبت به یکدیگر است.

کلید واژه‌ها: رمان، شخصیت، دا، أم سعد، حسینی، کنفانی.

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار (نویسنده مسئول) Sadeghi2002@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۲۴

۱. مقدمه

یکی از راه‌های شناخت ملت‌ها، فرهنگ و تاریخ آنهاست که از این طریق می‌توان به هویت آن ملت پی برد، این فرهنگ در قالب‌های گوناگونی همچون شعر، قصه، داستان و رمان برای آیندگان حفظ می‌شود. رمان «روایت منثور نسبتاً بلند و پیچیده‌ای است که از روی خیال یا بازآفرینی زندگی و نمایاندن شخصیت‌ها و اعمال و افکار آنان در محیطی خاص می‌پردازد» (انوشه، ۱۳۷۵، ۲ / ۴۲۸).

رمان دارای ژانر یا گونه‌های متفاوتی از جمله سیاسی، اجتماعی، تاریخی، عاشقانه و... است، اما در این میان رمان اجتماعی و تاریخی را می‌توان نزدیک‌ترین گونه رمان‌های موجود به موضوع ادبیات پایداری قلمداد کرد؛ چراکه از سویی وقایع اجتماعی دوران دفاع یکپارچه یک ملت در برابر دشمن همچون شجاعت‌ها و بی‌باکی‌ها و ایثارگری‌های آنان و نیز ستیز غیرانسانی دشمن را به رشته تحریر درآورده و از سویی به تاریخ این ایثارگری‌ها افتخار می‌کند.

دو رمان مورد بحث، «دا» اثر سیده زهرا حسینی و «ام سعد» نوشته غسان کنفانی از جمله آثاری هستند که علاوه بر سعی و تلاش برای بیداری اذهان درباره مقاومت و پایداری، یاد جوانان، مردان و زنانی را زنده نگاه می‌دارند که هر دو ملت ایران و فلسطین به آنان افتخار می‌کنند. این پژوهش با هدف بررسی نگرش دو نویسنده از دو جامعه متفاوت به عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی از منظر مقاومت و پایداری در رمان‌های «دا» و «ام سعد» به شیوه توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و بر آن است تا به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

- ۱- شخصیت‌های رمان‌های «دا» و «ام سعد» با توجه به معیارهایی چون محوریت (اصلی و فرعی)، تحول (ایستایی و پویایی) و نوع (ساده، جامع و تیپ) چگونه شخصیت‌هایی هستند؟
- ۲- کدام‌یک از نویسندگان در بازآفرینی شخصیت‌ها و القای آنها به مخاطب خود موفق‌تر بوده است؟

بررسی تطبیقی عنصر شخصیت در رمان های «و» و «ام سعد» ۱۳۳۱/۱

لازم به ذکر است پیرامون تطبیق انواع شخصیت از منظر محوریت، تحول و نوع در دو رمان «دا» و «ام سعد» تاکنون تحقیقی صورت نگرفته اما پژوهش‌هایی در آثار این دو نویسنده به شرح ذیل انجام پذیرفته است:

- مقاله «شگردها و زمینه‌های تداعی معانی در داستان دا» (۱۳۸۸) به قلم فاطمه معین‌الدینی، فصلنامه ادبیات پایداری، دوره ۱، ش ۱، صص ۱۵۹-۱۸۴.

- مقاله «شیوه‌ها و شگردهای شخصیت‌پردازی در کتاب دا» (۱۳۹۲) از محمد ایرانی و شیرین سنجابی. فصلنامه ادب پایداری، ش ۹، صص ۲۷-۵۴.

- مقاله «مقایسه عنصر عاطفه در داستان دا و داستان‌های غسان کنفانی» (۱۳۹۳) از روح‌الله نصیری و تقی اجیه، نشریه الجمعیه العلمیه الایرانیه للغه العربیه و آدابها، دوره ۱۰، ش ۳۱، صص ۱۱۷-۱۳۶.

- مقاله «بررسی تطبیقی عنوان در رمان‌های ادبیات پایداری با تکیه بر رمان‌های ام سعد و دا» (۱۳۹۵) اثر محمود بشیری و سمیه آقاجانی کلخوران. متن پژوهی ادبی، ش ۶۸، صص ۹۳-۱۱۵.

- مقاله «مبانی نظری ادبیات مقاومت در آثار غسان کنفانی» (۱۳۹۳) به قلم محمد صادق بصیری و نسرين فلاح، فصلنامه ادب پایداری، ش ۱۰، صص ۶۵-۹۰.

۲. عنصر شخصیت در داستان

یکی از عناصر مهم در داستان‌نویسی عنصر شخصیت است. نویسنده با انتخاب شخصیت‌های داستانی و با کمک عنصر گفت‌وگو اندیشه‌های خود را به مخاطب منتقل می‌کند. در تعریف این عنصر مهم داستانی باید گفت، «شخصیت^۱ در لغت به معنی ذات و خلق و خوی مخصوص شخص است و در معنی عام، عبارت از مجموعه خصوصیات است که حاصل برخورد غرایز و امیال نهفته انسان با دانش‌های اکتسابی او در زمینه‌های مختلف اجتماعی باشد» (داد، ۱۳۹۲):

1- character

۳۰۱)، در تعریف دیگری از شخصیت با چنین تعبیری مواجه می‌شویم: «شخصیت هر فرد، کل خصایص بدنی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی، اعم از موروثی یا اکتسابی است که او را به طور آشکار از دیگران مشخص می‌کند» (شعاری نژاد، ۱۳۷۳، ۶۰۰)، اما در داستان «منظور از شخصیت، افراد داستان‌اند که تقریباً همه کاره داستان شمرده می‌شوند» (عبداللهیان، ۱۳۸۱، ۵۰). شخصیت نقش مهمی در رمان برعهده دارد، «شخصیت جان رمان است. رمان بدون شخصیت همچون جهان است پیش از پیدایش انسان که حتی اگر زیباتر از زیباترین رؤیاهای شاعران هم می‌بود کسی نبود که زیبایی‌های آن را درک کند و بستاید. جهان بدون انسان بی‌لطف و بی‌معناست و رمان بدون شخصیت تصورناپذیر است» (ایرانی، ۱۳۸۰، ۴۵۸).

در باب اهمیت شخصیت‌پردازی در داستان نیز باید خاطر نشان کرد؛ «مهم‌ترین عنصر منتقل‌کننده تم داستان و مهم‌ترین عامل طرح داستان، شخصیت داستانی است. تقریباً تمام داستان‌ها در گسترش طرح و ارائه تم خود از شخصیت‌های داستانی یاری می‌جویند که معمولاً انسانند» (یونسی، ۱۳۸۸، ۳۳). در این میان برخی شخصیت‌ها برگرفته از متن واقعیت زندگی انسانی و برخی دیگر شخصیتی خیال‌گونه دارند که پیرامون نوع دوم باید گفت، «آفرینش شخصیت شاید هیجان‌انگیزترین وجه داستان‌نویسی باشد. نویسنده با خلق یک شخصیت، گویی به آفرینش انسانی دست می‌یازد که می‌تواند مختارانه در ماجرای داستان حضور پیدا کند و تأثیرگذار باشد» (مستور، ۱۳۸۶، ۳۴).

شخصیت در داستان از سه منظر محوریت (اصلی و فرعی)، تحول (ایستایی و پویایی) و نوع (ساده، جامع و تیپ) بررسی می‌شود که ضمن معرفی و تحلیل شخصیت‌های دو رمان «دا» و «ام سعد» به تعریف هر یک از این انواع پرداخته خواهد شد.

۳. آشنایی اجمالی با نویسندگان رمان‌های «دا» و «ام‌سعد»

سیده زهرا حسینی راوی رمان «دا» در سال ۱۳۴۲ در یک خانواده کرد ایرانی در بصره متولد شد. پدرش سید حسین حسینی و مادرش سیده شاه‌پسند با هم قوم و خویش و از اهالی یک

بررسی تطبیقی عنصر شخصیت در رمان های «و» و «ام سعد» ۱۳۵۱۱۱

روستا بودند. پدر او به دلیل فعالیت‌های سیاسی بارها دستگیر و شکنجه شده بود. آنها پس از دستگیری پدر به ایران بازمی‌گردند و در خرمشهر سکونت می‌کنند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شروع جنگ تحمیلی از جانب عراق زهرا نیز همچون دیگر ساکنین خرمشهر به دفاع از شهر و مقاومت در مقابل نیروهای نیروهای عراقی می‌پردازد. زهرا پس از پایان جنگ تحمیلی خاطرات خود را به نگارش در می‌آورد و آن را به پاس قدردانی از مادرش با عنوان «دا» چاپ می‌کند (حسینی، ۱۳۹۰، ۲۰).

کتاب «دا» خاطرات زهرا حسینی به قلم اعظم حسینی داستان واقعی از دفاع ۳۳ روزه خرمشهر است. کتاب دارای پنج بخش و چهار فصل است و عکس‌هایی نیز در پایان کتاب به عنوان اسناد و مدارک به آن پیوست شده است. ویژگی اصلی داستان به عنوان یکی از موفق‌ترین آثار در زمینه ادبیات پایداری تلفیق روایت داستانی با خاطره است. نویسنده با نوشتن خاطرات راوی به نثر ساده به توصیف فضای مورد نظر راوی پرداخته است.

غسان کنفانی نویسنده کتاب «ام سعد» در سال ۱۹۳۶ در شهر «عکا» در فلسطین متولد شد. او به همراه خانواده‌اش تا سال ۱۹۴۸ در یافا زندگی می‌کرد. غسان پس از پایان تحصیلات وارد دانشکده ادبیات دمشق شد، اما به سبب فعالیت سیاسی از دانشکده اخراج شد. (میر حق جو لنگرودی، ۱۳۸۷، ۴۴). کنفانی در کویت علاوه بر تدریس به نوشتن در روزنامه‌ها نیز می‌پرداخت و مقالات خود را با نام ابوالعز به چاپ می‌رساند. همچنین عضو جبهه مردمی برای آزاد سازی فلسطین بود. کنفانی در ۸ ژوئیه ۱۹۷۲ میلادی توسط سازمان‌های جاسوسی اسرائیل و آمریکا به شهادت رسید (طاهباز، ۱۳۸۰، ۱۹).

آثار کنفانی شامل مجموعه‌های داستانی، رمان و نمایشنامه است. از میان آثار او می‌توان به عائد الی حیفا (بازگشت به حیفا)، رجال فی الشمس (مردان زیر آفتاب)، ما تبقی لکم (بازمانده) و ام سعد اشاره کرد. رمان «ام سعد» تصویرگر مقاومت زنان فلسطینی در مقابل اشغالگران است.

۴. خلاصه رمان‌های «دا» و «أم سعد»

۴-۱- خلاصه رمان «دا»

داستان این رمان در مورد خانواده کرد ایلامی است که در بصره زندگی می‌کنند. پدر خانواده (سید حسین) از مبارزین سیاسی بوده که علیه رژیم بعث عراق فعالیت می‌کرده و پس از مدتی توسط استخبارات عراق دستگیر و به ایران بازگردانده شده است. خانواده زهرا پس از ساکن شدن در خرمشهر، زندگی جدیدی را در این شهر آغاز می‌کنند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حمله عراق به ایران و شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ مردم ایران به ویژه مردم خرمشهر به دفاع و ایستادگی در برابر دشمنان می‌پردازند. زهرا به همراه تعدادی از نیروهای جوان و مردمی ضمن غسل و کفن شهدا از اجساد می‌گذرد که در معرض حمله حیوانات قرار دارند با تلاش فراوان مراقبت می‌کنند. «دا» نیز همراه با بچه‌ها خانه را ترک کرده مانند سایرین به مسجد پناه می‌برد.

سید حسین که به خط مقدم رفته بود، در درگیری با سربازان بعثی و دفاع از خرمشهر شهید می‌شود. پسرش سیدعلی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سپاه پاسداران پیوسته، همراه با سایر نیروهای مردمی به دفاع از شهر می‌پردازد. او چند روز پس از شهادت پدرش شهید می‌شود. زهرا و خواهرش لیلا برخلاف اصرار دایی‌شان برای ترک خرمشهر، به اتفاق تعدادی دیگر از زنان و مردان در خرمشهر می‌مانند و به دفاع از شهر می‌پردازند. پس از مدتی زهرا در اثر اصابت ترکش مجروح شده برای ادامه درمان به شیراز می‌رود. در این مدت عراقی‌ها خرمشهر را اشغال می‌کنند.

زهرا و خانواده‌اش همراه با تعدادی از خانواده شهدا در حسینیه جماران با امام خمینی (ره) ملاقات می‌کنند. زهرا پس از ازدواج با حبیب مزعلی همراه با برادرش محسن به آبادان رفته در آنجا ساکن می‌شود. او همچنان با صبر و مقاومت، دوری از همسرش را - که در جبهه‌ها حضور

دارد- تحمل می کند. پس از آزادی خرمشهر زهرا به همراه مادرش پس از مدت طولانی از شهر دیدن می کند.

۴-۲- خلاصه رمان «امّ سعد»

داستان این رمان حول شخصیت زنی فلسطینی است که از دل مقاومت فلسطین بیرون آمده است. «امّ سعد» که نمادی از زنان مقاوم فلسطین است، پس از ترک فلسطین در سال ۱۹۴۸م به همراه اعضای خانواده اش در اردوگاهی در جنوب لبنان در شرایط سختی زندگی می کند. یکی از پسران «امّ سعد» که سعد نام دارد به فدائیان (گروه های مقاومت) پیوسته، این کار سعد، از سویی موجب خرسندی و افتخار برای «امّ سعد» است و از سویی دیگر موجبات دلتنگی و دوری از فرزند را برای مادر به وجود می آورد.

«امّ سعد» که زنی زحمت کش است در خانه راوی کار می کند، همچنین برای کارگری به یک مجتمع مسکونی می رود و مدتی به تمیز کردن آن جا می پردازد. او دارای روحیه ای بالا و امیدوار به آینده فلسطین است، چرا که به مقاومت جوانانی همچون سعد در مقابل اشغالگران ایمان دارد و نیز باور دارد که روزی خواهد رسید که این مقاومت ها به ثمر بنشینند.

«ابوسعد»، همسر «امّ سعد» مردی ناامید و سرخورده از اشغال فلسطین به نظر می رسد. وی پس از مشاهده مبارزه و پیروزی پسرش سعید در مقابل پسری هم سن و سال خود در یک برنامه نمایشی متحول شده از آن پس نگاهش نیز به مسائل فلسطین تغییر می کند و به وجود پسرش سعد و جوانانی همچون او افتخار کرده احساس غرور می کند. ابوسعد آینده فلسطین را در مقاومت جوانان می بیند و به آینده سرزمینش امیدوار می شود. «غسان کنفانی» این موضوع را در آغاز داستان با شاخه خشکیده مو که «امّ سعد» آن را می کارد و در پایان داستان جوانه می زند به مخاطب القا می کند.

۵. تطبیق انواع شخصیت در رمان‌های «دا» و «أم سعد»

۵-۱- شخصیت‌های اصلی^۱

شخصیت اصلی داستان کسی است که محور و مرکز حوادث است و همهٔ حوادث و شخصیت‌های دیگر به معرفی او می‌پردازند. «شخصیت اصلی، گاهی مترادف قهرمان اصلی می‌آید؛ گرچه ضرورتی ندارد که شخصیت اصلی همیشه خصوصیت‌های قهرمانی داشته باشد» (میرصادقی؛ ذوالقدر، ۱۳۸۸، ۲۰۰).

در رمان «دا»، زهرا شخصیت اصلی و محوری داستان است. هرچند این رمان مجموعه‌ای از حوادث است که توسط زهرا، بازگو می‌شود، اما مخاطب اتفاقات و حوادثی را که برای زهرا رخ می‌دهد، بیش از سایر مسائل دنبال می‌کند و می‌خواهد بداند سرگذشت این دختر هفده ساله چگونه خواهد شد.

او در خانواده‌ای مذهبی و مقاوم بزرگ شده و تحت تربیت روشنفکرانه و درست پدر و مادری آگاه به مسائل دینی و سیاسی روز رشد یافته که اثرات این تربیت در عنفوان جوانی وی نمود پیدا می‌کند. زهرا از کودکی به دلیل رشد در چنین خانواده‌ای، از تربیتی دینی برخوردار شده است. پدر بزرگ او «پاپا» از خاندان سادات بوده است: «هیچ وقت یادم نمی‌رود، اولین بار که می‌خواستم نماز بخوانم، رفتم سراغ پاپا، وقتی فهمیدم می‌خواهم نماز بخوانم، خیلی خوشش آمد» (حسینی، ۱۳۹۰، ۳۰).

او هنگام جنگ نقش موثری در کمک به مردم شهر دارد و در شرایط مختلف با زیرکی و تیزبینی بهترین تصمیم را در راه رسیدن به هدف می‌گیرد و برای آنچه که درست به نظر می‌رسد تلاش می‌کند؛ به عنوان نمونه هنگامی که شهدا را به ماهشهر می‌برند، او از وقایع و مظلومیت مردم و نیروهای حاضر در خرمشهر برای مسئولین سخن می‌گوید: «وقتی دیدم مسئولین ماهشهر هم آمده‌اند و به ردیف ایستاده‌اند در تصمیم مردد شدم. تا چند دقیقه با

بررسی تطبیقی عنصر شخصیت در رمان های «و» و «أم سعد» ۱۳۹۱/۱۱

خودم کشمکش داشتم، چیزی بگویم یا نگویم. فکر می کردم اگر حرف نزنم در حق مردمی که در خرمشهر هستند، ظلم کرده‌ام... چادرم را مرتب کردم. یک دفعه بلند شدم و لبه و انت ایستادم. شروع کردم به صحبت...» (همان، ۱۸۸).

او علاوه بر این که مهربان و دلسوز است، گاه عصبانی و پرخاشگر می شود. (که به یقین در آن شرایط سخت و هولناک، این رفتار طبیعی به نظر می رسد) برای نمونه، هنگام کندن قبر برای شهدا در جنت آباد اینگونه سخن می گوید: «عصبانی شدم و گفتم: برای چی من نمی تونم قبر بکنم؟ شما مردها فکر کردید چون ما زنیم توان و قدرت نداریم؟ کلنگ را گرفتم و شروع کردم به کندن زمین» (همان، ۱۱۹).

زهرآ با وجود آن که بعضی اوقات بر روی خواسته خود پافشاری می کند، اما شخصیت سرکشی ندارد و در آن شرایط کارهایی را که به او محول می شود، به بهترین شکل به انجام می رساند: «باید به خودم می قبولاندم که در شرایط فعلی این بهترین کار است» (همان، ۳۱۲).

زهرآ در این رمان شخصیتی ایستا نیست، بلکه شخصیتی پویا دارد. در تعریف شخصیت پویا و ایستا باید گفت: «شخصیت پویا^۱، شخصیتی است که یک ریز و مداوم در داستان، دستخوش تغییر و تحول باشد و جنبه‌ای از شخصیت او، عقاید و جهان بینی او یا خصلت و خصوصیت شخصیتی او دگرگون شود» (میرصادقی، ۱۳۹۲، ۹۴). در صورتی که «شخصیت ایستا^۲ شخصیتی است که تغییر نکند یا اندک تغییری را بپذیرد؛ به عبارت دیگر، در پایان داستان همان باشد که در آغاز بوده است و حوادث داستان بر او تأثیر نکند یا اگر تأثیر بکند، تأثیر کمی باشد» (همان). شخصیت زهرآ در طول داستان هرچه پیش می رویم متعالی تر شده و در همان سن جوانی (۱۷ سالگی) کامل می شود. تصمیم گیری های او در شرایط مختلف و حضور در محافل

1-Dynamic Character

2-Static Character

عمومی نشان از شکل‌گیری و متعالی شدن شخصیت او دارد که در کنار حوادث و اتفاقاتی که رخ می‌دهد، او بیش از پیش به مرحله تکامل فکری می‌رسد.

تحول و تکامل دید و شخصیت زهرا را می‌توان در گفته خودش نیز احساس کرد. این شخصیت کم‌کم به هر آنچه که در آن شرایط پیش آمده و مهم است نیز پی می‌برد، برای نمونه زهرا در آغاز داستان بارها به مسجد جامع می‌رود و برای جنت‌آباد درخواست نیرو می‌کند، این اقدام وی قابل تحسین است، اما زهرا از کمبود نیرو و به گمان خودش ندادن نیرو ناراحت شده گاهی عصبانی می‌شود؛ در حالی که زهرا در سیر این تحول، خودش نیز به مشکلات پی برده و اهمیت موضوعات دیگر را نیز متوجه می‌شود: «از بعد شهادت بابا کار کردن توی جنت‌آباد برای من اهمیّت اولیه‌اش را از دست داده بود، چون هم تعداد کشته‌ها به نسبت کمتر شده بود، هم تلاش برای زنده ماندن آدم‌ها مسلماً برایم اهمیت بیشتری داشت» (حسینی، ۱۳۹۰، ۴۸۷).

شاید بتوان زهرا را شخصیتی «جامع» دانست، «شخصیت جامع، کسی است که از پیچیدگی و جامعیت بیشتری برخوردار است و توجه بیشتری را به خود جلب می‌کند و با جزئیات بیشتر و مفصل‌تر تشریح و تصویر می‌شود» (داد، ۱۳۹۲، ۳۰۲). زهرا در ادامه داستان جامع‌تر می‌شود و علاوه بر هنگامی که در خرمشهر حضور داشته و فعالیت می‌کرده در تهران هم از فعالیت باز نایستاده هر کمکی از دستش برمی‌آید انجام می‌دهد؛ همچون کمک به کمیته در دستگیری منافقین و حضور در انتظامات نماز جمعه (همان، ۶۵۳). او در ادامه به این نتیجه می‌رسد که هر جا مفیدتر است، آنجا حضور داشته باشد؛ هر چند او هیچ‌گاه از خواسته قلبی خود یعنی بودن در جبهه و مقابله با دشمن روی گردان نمی‌شود.

بررسی تطبیقی عنصر شخصیت در رمان های «د» و «ام سعد» ۱۴۱۱۱۱

شخصیت زهرا در طول داستان از یک شخصیت عادی فراتر رفته و تبدیل به تیپ^۱ شده است؛ یعنی «از خصوصیات یک شخصیت فردی به نماینده گروهی از مردم با وجوهی مشترک یا همان تیپ» (میرصادقی، ۱۳۹۲، ۲۰۶) تبدیل شده است.

در داستان «ام سعد» اثر غسان کنفانی، نیز زنی بی باک و دلیر به نام «ام سعد» شخصیت اصلی داستان است. او زنی چهل ساله است که نزدیک به بیست سال از خانه و کاشانه خود آواره شده و در اردوگاهی در جنوب لبنان با سایر آوارگان فلسطینی روزگار می گذراند. انسانی زحمت کش است و این را از دست های زمخت او می توان فهمید. این زن سه فرزند دارد که سعد بزرگ ترین آن ها فدایی است و به گروه های مقاومت پیوسته است و «ام سعد» به این کار پسرش افتخار کرده به خود می بالد. سعید پسر کوچک تر او نیز در حرکاتی نمایشی در اردوگاه به مبارزه با کودک هم سن خود می پردازد که «ام سعد» و پدرش از این موفقیت او بسیار خرسند می شوند. ابوسعید در تعریف و تمجید از همسرش می گوید:

«هذه المرأة تلد الأولاد فيصيروا فدائيين هي تخلف و فلسطين تأخذ» (کنفانی، ۲۰۱۳، ۷۳)

«این زن بچه ها را برای این می زاید که فدایی شوند، او به دنیا می آورد و فلسطین می گیرد» (غریفی، ۱۳۶۱، ۷۵).

«ام سعد» نیز همچون زهرا به تیپ تبدیل شده است. او، نماد یک زن فداکار و مقاوم است و برای ملت خود و تمام ملت هایی که در حال مقاومت و ایستادگی در مقابل دشمن هستند، یک اسطوره به شمار می آید. وی زنی بی سواد و عامی است، ولی کنفانی او را با سخنانی که می گوید خاص نشان می دهد و نمونه ای از استقامت برای همگان - عوام و خواص - معرفی می کند. لحن کنفانی به گونه ای است که گویی «ام سعد»، تنها یک نفر نیست، بلکه او نمونه ای از مادران فلسطین است و همه مادران فلسطین همچون او هستند. او اگرچه سواد خواندن و نوشتن ندارد، اما سخنانش که از عمق وجودش برمی آید بسیار متفکرانه و آگاهانه است.

1-Typical character

کنفانی خود در آغاز و مقدمه کتابش او را یک شخصیت واقعی معرفی می کند. این اصرار کنفانی به دلیل آن است که این شخصیت دارای نمونه های واقعی در جامعه فلسطین است. «ام-سعد» در بخشی از داستان که با راوی درباره زندانی شدن سعد سخن می گوید به گونه ای حرف می زند که گوینده او را فردی روشنفکر می داند:

«گمان می کنی ما در زندان نیستیم؟ مگر ما در اردوگاه جز راه رفتن در آن زندان عجیب کار دیگری هم می کنیم؟ پسر عموجان، همه جور زندان هست! همه جور! اردوگاه زندان است، خانوات زندان است، رادیو زندان است، اتوبوس و خیابان و چشم های مردم... زندگی های ما زندان است...» (غریفی، ۱۳۶۱، ۱۷).

ایمان و باور و تحکمی که در لحن «ام-سعد» احساس می شود، نشان از شخصیتی دارد که فردایی روشن را برای خود و هموطنانش نوید می دهد؛ این مطلب را در کاشت ساقه مو و برداشتن آن از اتاق و غرس آن در جلوی درب خانه راوی می توان احساس کرد:

«در انتظار پاسخ من نبود. به اتاق برگشت و ساقه مو را از روی میز برداشت و چنان در آن نظر انداخت که انگار در آن لحظه برای اولین بار آن را می بیند. او همچنان که به کندی به طرف در دیگر می رفت گفت: می کارمش، خواهی دید که چه طور انگور می دهد. به تو گفتم که محتاج آب نیست، بلکه ذره های خاک را در عمق زمین می فشارد و از آن می نوشد» (غریفی، ۱۳۶۱، ۱۴).

دو شخصیت اصلی دیگر در رمان های «دا» و «ام سعد» خود «دا» به عنوان مادر شجاع زهرا و «سعد» پسر مبارز ام سعد هستند.

سیده شاه پسند یا «دا» مادر راوی، دارای شخصیتی پایدار و آرمان گرا است که به عنوان دیگر شخصیت فعال نویسنده مطرح می شود، پویایی این شخصیت در روند داستان به خواننده اثبات می شود. وی شخصیتی است مقاوم که از آغاز داستان اینگونه است، ولی این خصوصیت در

بررسی تطبیقی عنصر شخصیت در رمان های «و» و «أم سعد» ۱۴۳۱

پایان داستان به اوج خود می‌رسد؛ چرا که او در پایان، همسر شهید، مادر شهید و مادر جانباز است و پسران دیگرش نیز در منطقه جنگی حضور دارند.

او در تمام لحظات سخت زندگی از همراهی همسرش دست برنمی‌دارد. سید حسین از فعالان سیاسی است که شاه پسند با درک این فعالیت‌ها و نیز داشتن بینش سیاسی او را همراهی می‌کند و مانعی برای فعالیت‌هایش نیست.

«دا بعد از رفتن این‌ها (مأمورین استخبارات عراق) می‌آمد توی اتاق و به دیوار تکیه می‌داد و با گریه نفرینشان می‌کرد. می‌گفت: این حسن البکر بی‌عرضه است. همه‌اش زیر سر صدام است. صدام همه کاره است. بعد صدام را لعن می‌کرد: هذا صدام النضل شمربن شمر. این صدام حرامزاده شمر پسر شمر. کمی که آرام می‌گرفت به قاب عکس سید محسن حکیم که به دیوار اتاق آویزان بود اشاره می‌کرد و می‌گفت: کسی که آب روی خاندان حکیم ببندد، کسی که به این عالم رحم نکند، به ما رحم می‌کند؟» (همان، ۲۲)

«دا» با وجود آن که چهار ماه از شهادت پسرش سید علی خبر ندارد، دوری و نبودن او را با همه سختی‌ها و آوارگی‌هایی که برایش پیش آمده بود تحمل کرده شکایت و اعتراضی نمی‌کند. او در زمان غیبت علی گمان می‌کند پسرش در منطقه در حال جنگ با دشمن است، اما پس از مدتی که از شهادت علی باخبر می‌شود، پذیرفتن و باور آن خبر برایش سخت و دشوار می‌گردد. «بعد از چهار ماه ندیدن علی، انتظار نداشت، خبر شهادتش را بشنود. در همین روزها یکی از اقوام به دا گفته بود توی روزنامه با مجروحی به نام سید علی حسینی مصاحبه کرده‌اند، احتمالاً علی شما شهید نشده، مجروح است. دا هم باور کرده بود. به دا گفتم: فلانی اشتباه کرده. من با دست خود علی رو دفن کردم...» (همان، ۶۳۵). هر چند شاه‌پسند در شهادت پسرش بسیار بی‌تابی می‌کند - چون پس از شهادت سید حسین امید او به پسر و فرزند بزرگش علی بود - با این وجود از شهادت علی شکایتی نکرده صبر پیشه می‌کند.

«دا» عمق فجایع را درک کرده و نه تنها، از ادامه حضور دخترانش زهرا و لیلا جهت کمک و امداد رسانی جلوگیری نمی‌کند، بلکه با صبوری خود آنان را همراهی می‌کند.

در رمان غسان کنفانی نیز «سعد» فردی مبارز است که برای بازپس گرفتن فلسطین از اشغالگران، مبارزه می‌کند. او متعلق به نسلی از فلسطین است که برخلاف پدرانشان، به مقاومت و گرفتن اسلحه در دست اعتقاد دارند. «ام‌سعد» پسرش سعد را بسیار دوست دارد، همچنین سعد نیز به مادرش بسیار علاقه‌مند است. او زمانی که همراه یکی از گروه‌های مقاومت در محاصره سربازان قرار می‌گیرد، پیرزنی را می‌بیند که برای او مادرش را تداعی می‌کند. آن پیرزن برای سعد و مبارزین دیگر غذا آورده مادرانه به آن‌ها محبت می‌کند. سعد جوانی بسیار آگاه و از قدرت تشخیص بالایی برخوردار است، وقتی کدخدا برای آزادی سعد و دوستانش به زندان می‌رود، در مقابل درخواست کدخدا برای امضای ورقه تعهد می‌گوید:

«سعد از او پرسید: آدم یعنی این که عاقل بگیریم بنشینیم؟ و سومی گفت: یعنی سیلی بخوریم و بگوییم ممنون؟ بعد سعد برخاست و گفت: عزیزم، آدم یعنی این که بجنگیم، یعنی این طور، این طور» (غریفی، ۱۳۶۱، ۱۵).

این گفته‌های سعد نشان دهنده آن است که دیدگاه نسل جدید فلسطین با گذشته متفاوت است و سعد نیز دارای تفکر و نگرش پایداری و مقاومت فلسطین است.

در مجموع می‌توان گفت شخصیت‌های اصلی این دو رمان، شخصیت‌هایی پویا و جامع هستند که به عنوان یک تیپ یا نماینده گروهی از مردم نیز به شمار می‌آیند. از ویژگی‌های مشترک در شخصیت‌های اصلی داشتن روحیه مقاومت و مبارزه است. آنها برای دفاع از میهن خود از هیچ تلاشی روی گردان نیستند.

۵-۲- شخصیت های فرعی^۱

شخصیت هایی را که در کنار شخصیت اصلی در مقام دوم یا سوم و ... هستند و اصولاً نسبت به شخصیت اصلی در داستان اهمیت کمتری دارند، شخصیت فرعی نامیده می شوند. «شخصیت های فرعی، با حضورشان در اطراف شخصیت اصلی او را به واکنش و می دارند و با نشان دادن تأثیرشان بر شخصیت اصلی یا برعکس نقش او را بیشتر می پروراند» (جمالی، ۱۳۸۵، ۷۴-۷۹)؛ به عبارت دیگر «شخصیت های فرعی می توانند داستان را به پیش برانند، نقش اصلی را روشن کنند، به کار بافت و رنگ بدهند، درون مایه را عمیق تر، رنگ مایه های کار را گسترده تر کنند و جزئیاتی جالب توجه، حتی به کوچک ترین صحنه ها و کوچک ترین لحظات کار اضافه کنند» (میرصادقی، ۱۳۹۲، ۱۸۱).

در رمان «دا»، «سیدعلی» برادر یکی از فرزندان خانواده و برادر راوی یعنی زهرا را می توان از جمله شخصیت های فرعی برشمرد. او اولین فرزند سیدحسین و سیده شاه پسند است و به خاطر اختلاف سنی کمی که با زهرا دارد، با او ارتباطی صمیمانه دارد و زهرا نیز در بین خواهران و برادرانش علی را همچون الگویی برای خود دانسته بسیاری از رفتارهایش را می پسندد. «من از کارهای علی روحیه می گرفتم و همیشه لحظه شماری می کردم به خانه بیاید...» (حسینی، ۱۳۹۰، ۶۴). علی دارای شخصیتی جامع و پویاست. او دارای صفاتی است که پدر بزرگ، پدر، مادر، خواهران و برادرانش و حتی تمامی بستگان که در این داستان از آن ها یاد شده او را دوست دارند، و این یعنی داشتن کاریزما و قدرت جاذبه یک شخصیت در خلال رمان. پس از شهادت سیدحسین و پدرش، امید و دلگرمی «دا»، زهرا و لیلا به سیدعلی بود. او در مدت زمانی که برای معالجه در بیمارستانی در تهران بستری شده بود نیز مورد علاقه کادر بیمارستان قرار گرفته بود. زهرا پس از شهادت او به این موضوع پی می برد.

علی از کودکی سختی‌هایی را که خانواده‌اش متحمل می‌شوند می‌بیند و تمام سعی خود را برای حل مشکلاتشان به کار می‌برد. روحیه فداکاری و از خودگذشتگی از صفاتی است که این شخصیت به آن آراسته شده و در بسیاری از بخش‌های داستان به آن اشاره شده است. «علی که سختی‌ها را می‌دید، از همان بچگی شروع به کار کرد. بعد از ظهرها در تابستان‌های گرم و زمستان‌ها که هوا سرد می‌شد، برای این که به خرج خانه کمک کند، در پمپ بنزین معروف به دیزل آباد که ابتدای جاده خرمشهر اهواز بود به مسافران یا راننده ماشین‌های سنگین آدامس می‌فروخت یا بلال فروشی می‌کرد» (همان، ۵۰).

شخصیت علی در طول داستان رو به کمال و تعالی است و رفتارهای وی نشأت گرفته از تربیت خانواده مذهبی و آگاهش است. این جوان نیز همچون بسیاری دیگر از شخصیت‌ها، بویژه شخصیت‌های رزمنده، دارای خصوصیات برجسته‌ای همچون فداکاری، ایثارگری، مهربانی و شجاعت است. علی از شخصیت‌هایی است که با سن کم در بسیاری از ابعاد رشد یافته است. او در زمینه‌های هنری، مذهبی و ورزشی هم فعال بوده علاوه بر اینکه با کار خود به اقتصاد خانواده‌اش کمک می‌کند، در ابعاد دیگر نیز به فعالیت می‌پردازد. او در صحنه مبارزه با دشمن با الگوگیری از مبارزات پدرش، وارد این عرصه می‌شود؛ در واقع می‌توان گفت او در این داستان متعلق به یک «تیپ» خاص در اجتماع است؛ «تیپ، نماینده قشر و صنفی از مردم و جامعه است. یعنی طبقه و گروهی از مردم همان خلیفات و رفتار را دارند» (شمیسا، ۱۳۸۳، ۱۸۰).

علی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وارد جهاد سازندگی شده برای کمک به نیازمندان به مناطق محروم می‌رود. علی فردی فعال بوده و عشق به شهادت سراسر وجودش را فراگرفته است. هر دو خواهرش نیز به شهادت علی اعتقاد دارند؛ چرا که علی دوست ندارد به مرگ طبیعی بمیرد، او بر این عقیده است که: «باید آن قدر در راه خدا تلاش و جهاد کنم تا مرگ رو شهادت قرار بدن... من مرگ در راه خدا را عین زندگی می‌دانم. زندگی واقعی در شهادت

است. ائمه اطهار هم شهید شدند، برکاتشان را ببینید، ما هم برای این که جاودانه بمانیم باید مثل آن‌ها عمل کنیم» (حسینی، ۱۳۹۰، ۲۶۷) و سرانجام نیز جان خود را در این راه فدا می‌کند. در رمان کفانی نیز شخصیتی با نام «ابوسعبد» حضور دارد که می‌توان او را شخصیتی فرعی دانست؛ او پیش از آن که متحول شود، فردی سرخورده از اشغال کشورش است، فردی بدعق، بدرفتار با همسرش و بی‌انگیزه، که پس از کار به قهوه‌خانه می‌رود و تخته نرد بازی می‌کند. او به شراب نیز روی آورده و فردی غیر قابل تحمل شده بود:

«با تمام شدن ساعت کار بدعق تر می‌شد، به قهوه‌خانه می‌رفت، چای می‌خورد و تخت نرد بازی می‌کرد و به همه می‌پرید. به خانه که برمی‌گشت قابل تحمل نبود. دو دست بزرگ و خشنش را که پوشیده از آثار سیمان و خاک بود زیر سر می‌گذاشت و می‌خوابید و به صدای بلند خرخر می‌کرد. صبح، با سایه خودش دعوا می‌کرد و «ام‌سعد» را تنها می‌گذاشت تا چیزهای فقیرانه‌اش را آماده کند و زیر شلاق نگاه‌های خشم آگین تفسیر ناپذیر به سر کار خود برود. یک روز «ام‌سعد» تندتند اطراف خود را بو کشید و بوی شراب شنید» (غریفی، ۱۳۶۱، ۷۲).

او ناگهان به واسطه پسرانش (سعد و سعید) تغییر می‌کند و این تأثیر نسل جوان فلسطین است. در گفت‌وگوی پیرمرد و ابوسعبد آن‌گاه که سعید به حرکات نمایشی در مقابل دوست خود می‌پردازد و پس از یک مبارزه نمادین پیروز می‌شود و اسلحه را از او می‌گیرد؛ ابوسعبد با احساس غرور از فرزندان و همسرش سخن می‌گوید:

«ابوسعبد بسیار کف زد، تمام قد ایستاد و با غرور به پیرامون خود نگریست؛ نگاهش با نگاه ام-سعد تلاقی کرد، آن‌گاه مقابل او خم شد و گفت: دیدیش؟ سعید است! و در حالی که سر خود را به سر او نزدیک می‌کرد تا زن بهتر ببیند، به طفل اشاره کرد و بر کلمات خود بیشتر تأکید کرد: او آن‌جاست، همان کسی که تفنگ مارتین را بالا گرفته، خوب می‌بینیش؟

برگشت و شانه مرد را به چنگ گرفت و با دست به میانه میدان اشاره کرد و به او گفت: آن بچه‌ای را که تفنگ مارتین را بالا گرفته می‌بینی؟ او پسر سعید است، می‌بینیش؟ و برادر بزرگش سعد با فدائیان در اغوار است.

ابوسعده همسرش را به خود فشرد و با اشاره به وی به پیرمرد که هنوز هم به میدان می‌نگریست، گفت: این زن بچه‌ها را برای این می‌زاید که فدایی شوند، او به دنیا می‌آورد و فلسطین می‌گیرد! (غریفی، ۱۳۶۱، ۷۴ - ۷۶)

در حقیقت در اینجا علاوه بر فرعی بودن شخصیت این پدر فلسطینی، با دیگر جنبه شخصیتش یعنی پویایی نیز روبرو می‌شویم. ابوسعده که نخست با مبارزه مخالف بود و زندگی خود را بیهوده سپری می‌کرد، به مرور زمان و در طول داستان تحت تأثیر فرزندان سعد و سعید قرار می‌گیرد و عقایدش تغییر می‌کند و پس از آن از مبارزه و پایداری سخن می‌گوید. ابوسعده با تغییرش نشان می‌دهد بذر امید توسط فداییان در قلب او نیز کاشته شده و به آینده امیدوار شده است.

ویژگی‌های پویایی و جامع بودن را در شخصیت‌های فرعی رمان نیز می‌توان مشاهده کرد؛ با این تفاوت که علی در رمان «دا» از ابتدا فردی است آرمان‌گرا و پویا که در طول داستان رو به کمال و تعالی دارد، اما سعد در رمان «ام سعد» شخصی ناامید و بی‌انگیزه است که به صورت ناگهانی و به واسطه فرزندش دستخوش دگرگونی و تحول می‌گردد.

۵-۳- شخصیت‌های پس‌زمینه (سیاهی لشکر)^۱

شخصیت‌های پس‌زمینه یا سیاهی لشکر، شخصیت‌هایی هستند که شاید حذف آن‌ها خللی در داستان ایجاد نکند، اما حضور آنها به نوعی حال و هوایی خاص به داستان یا فیلم می‌بخشد و شاید بتوان گفت نوعی جریان زندگی را در آن صحنه ایجاد می‌کند. «شخصیت‌هایی را که بیشتر برای ایجاد حال و هوا یا واقع‌نمایی حوادث و صحنه‌ها در داستان حضور یافته‌اند، سیاهی

لشگر می‌نامیم. این شخصیت‌ها معمولاً به توصیف صحنه‌ها، مکان‌ها و ارائه حس و حالی بیشتر در داستان کمک می‌کنند» (کاموس، ۱۳۷۷، ۵۷).

از دیگر شخصیت‌های فرعی که حسینی در روایت خویش کمی بیشتر به آن پرداخته، «شیخ قنوتی» است. او از افرادی است که از بروجرد برای دفاع در مقابل متجاوزین به خرمشهر آمده است. حسینی از او با عنوان فردی که نگاه تیز و نافذ او انسان را یاد عقاب می‌اندازد یاد می‌کند (حسینی، ۱۳۹۰، ۲۵۱). زهرا دیدگاه شیخ قنوتی را در خصوص ماندن زنان در خرمشهر بیان می‌کند. این شخصیت با نگاهی منطقی به این موضوع، در این باره برای زنان سخن می‌گوید. او در پاسخ به زهرا که خواستار رفتن به خط مقدم است می‌گوید: «الان نیازی به شماها نیست که برید خط، ماها هستیم. هر وقت لازم شد اون وقت شماها رو می‌بریم. الان این جا به وجود شما بیشتر نیازه. کاری که من دیدم خواهرها دارن انجام می‌دن کمتر از کاری که ما تو خط می‌کنیم نیست. شاید هم بیشتر باشه. ارزش نجات دادن جان یک انسان کمتر از جنگیدن نیست، چه بسا بالاتره. ما برای نجات انسان‌ها میریم. شما هم برای نجات انسان‌ها تلاش می‌کنید. پس فرقی نداره. شما خواهران زینب، شما رهروان زینب هستید... شما باعث سربلندی ما مردها هستید. وجود شما، کمک‌های شما باعث می‌شه ما با دل گرمی بیشتری توی خط بجنگیم» (همان، ۲۵۲). شیخ قنوتی سرانجام به طرز فجیع و دردناکی توسط سربازان بعثی عراق به شهادت می‌رسد.

شخصیت پس‌زمینه در رمان «ام سعد» کدخداست که شخصیت ایستا نیز محسوب می‌شود؛ شخصیت کدخدا در این رمان در سیر اتفاقات داستان تغییر نمی‌کند. نگاه او به فعالیت مبارزین و رزمندگان همچون سعد بدینانه است، هنگامی که سعد و دوستانش زندانی می‌شوند، او تصور می‌کند که خانواده سعد خواستار آزادی او به هر قیمتی هستند؛ در حالی که ام‌سعد او را به دلیل این تفکر ابله خطاب می‌کند:

«مَرَّ عَلَيَّ فِي الصَّبَاحِ وَقَالَ لِي: لَا تَخَافِي يَا أُمَّ سَعْدٍ! سَأَعُودُ لَكَ بِهِ. الْأَهْبَلُ يَعْتَقِدُ أَنَّ هَذَا مَا أُرِيدُهُ... الْأَهْبَلُ، يَعْتَقِدُ أَنَّ ذَلِكَ مَا يُرِيدُهُ سَعْدٌ...» (کنفانی، ۲۰۱۳، ۱۳).

«صبح پیش من آمد و به من گفت: امّ سعد! نترس. او را پیش تو برمی گردانم. ابله! خیال می کند من این را می خواهم... ابله! خیال می کند سعد این را می خواهد...» (غریفی، ۱۳۶۱، ۱۲).

بنابراین می توان گفت شخصیت های پس زمینه در رمان «دا» با «ام سعد» متفاوت است. در رمان «دا» شیخ قنوتی نقش مهم و برجسته ای در داستان ایفا می کند. او شخصیتی محکم و مقاوم دارد که دیگران را نیز به مقاومت و مبارزه دعوت می کند، اما در رمان «ام سعد» شخصیت پس زمینه (کدخدا) نقش کمرنگی بر عهده دارد. او از آغاز تا پایان داستان با مبارزه و ایستادگی کردن در مقابل دشمن مخالف است.

نتایج مقاله

- از جمله تشابهات نگارش دو نویسنده رمان های «دا» و «امّ سعد» شخصیت بخشی دینی و القای هویت دینی توسط آنان است.

- از دیگر دستاوردهای این جستار همسو بودن شخصیت ها، بر اساس فضای مقاومت و پایداری و قلم مشابه دو نویسنده در پردازش فرم و محتوای شخصیت ها است. ملموس بودن شخصیت ها و در پی آن بافت ساده و منطبق بر جامعه بشری مخاطبان، موجب تأثیر مستقیم متن این دو رمان بر مخاطب شده است.

- تقسیم بندی کلی شخصیت های به کاررفته در رمان های «دا» و «امّ سعد» چنین است: سیده زهرا و امّ سعد در قالب شخصیت های اصلی، پویا و جامع که هر دو در قالب زن مسلمان و مقاوم به تطبیق رسیده اند، سید علی و ابو سعد دارای شخصیت فرعی بوده که به عنوان شخصیتی پویا نقش آفرینی کرده اند و شیخ قنوتی و کدخدا نیز به عنوان شخصیت های سیاهی لشکر مطرح می شوند، با یک شباهت و یک تفاوت؛ تبدیل شخصیت ساده داستانی به تیپ خاص اجتماعی

بررسی تطبیقی عنصر شخصیت در رمان های «د» و «أم سعد» ۱۵۱۱۱۱

شبهات شکلی و فرمی این دو شخصیت بوده، اما از نظر محتوایی، شیخ قنوتی نماینده افراد متعهد و اندیشمند در حوزه پایداری و کدخدا نماینده انسان‌های مخالف مقاومت و منفعل در جامعه است.

- حضور تراژدی بیشتر در رمان «دا» نسبت به رمان «أم سعد»، از جمله تفاوت‌های عمده این دو رمان نسبت به یکدیگر است. در حقیقت، همین مسأله سبب شرح دقیق‌تر وقایع و بسط شخصیتی از سوی نویسنده ایرانی گشته است.

- کاربرست شخصیت پویا به عنوان فردی که کاملاً دچار انقلاب عقایدی می‌شود فقط در رمان «أم سعد» دیده می‌شود و این بدین معناست که نویسنده عرب، نسبت به حسینی، شخصیت‌های متفاوت‌تری را به تصویر کشیده است.

کتابشناسی

- ۱- انوشه، حسن. (۱۳۷۵). دانشنامه ادب فارسی، جلد ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- ایرانی، ناصر. (۱۳۸۰). هنر رمان، چاپ اول، تهران: انتشارات آبانگاه.
- ۳- جمالی، زهرا. (۱۳۸۵). سیری در ساختار داستان، تهران: همداد.
- ۴- حسینی، سیده زهرا. (۱۳۹۰). دا، چاپ ۱۴۶، تهران: سوره مهر.
- ۵- داد، سیما. (۱۳۹۲). فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ ششم، تهران: مروارید.
- ۶- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۷۳). روانشناسی رشد بزرگسالان در فراخنای زندگی، تهران: پیام آزادی.
- ۷- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). انواع ادبی، چاپ دهم، تهران: فردوسی.
- ۸- طاهباز، سیروس. (۱۳۸۰). تپه آویشن شعر مقاومت در فلسطین اشغال شده، چاپ اول، تهران: فرهنگ گستر.
- ۹- عبداللهیان، حمید. (۱۳۸۱). شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان معاصر، چاپ اول، تهران: بهار.
- ۱۰- کاموس، مهدی. (۱۳۷۷). «کارکرد شخصیت‌های فرعی در جهان داستان»، مجله ادبیات داستانی، ش ۴، صص ۵۶ - ۶۲.
- ۱۱- غریفی، عدنان. (۱۳۶۱). ترجمه و شرح رمان أم سعد. بی‌جا: آینده زن.
- ۱۲- کنفانی، غسان. (۲۰۱۳). أم سعد، قبرس: دار منشورات الرمال.
- ۱۳- مستور، مصطفی. (۱۳۸۶). مبانی داستان کوتاه، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- ۱۴- میرحق جو لنگرودی، سعیده. (۱۳۸۷). «غسان کنفانی خورشیدی که هیچ زمان غروب نکرد». نسیم قدس، ش ۱، قابل دستیابی در سایت نشریه.
- ۱۵- میرصادقی، جمال. (۱۳۹۲). عناصر داستان، چاپ هشتم. تهران: سخن.
- ۱۶- میرصادقی، جمال؛ میمنت، میرصادقی. (ذوالقدر). (۱۳۸۸). واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، چاپ دوم، تهران: کتاب مهناز.
- ۱۷- یونسی، ابراهیم. (۱۳۸۸). هنر داستان‌نویسی، چاپ دهم، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.